

# برداشت‌های تربیتی از دعاها



اسدالله وطنی

## مقدمه

۱. انسان خلیفه خدا بر روی زمین است و باید مزین به خلق و خوی الهی شود. قرب الی الله هم همین است که انسان با خودسازی و عبادت، صفات حمیده را که کامل آن خاص حضرت حق است، به طور نسبی واجد گردد. پس چون پروردگار، عالم است، انسان باید برای کسب علم بکوشد. خداوند بزرگ عادل است و فرمان «اعدلوا» می‌دهد که لازمه تقواست.

۲. اولین معلم، پروردگار است. خداوند در اولین آیاتی که بر پیامبرش نازل فرمود، بعد از خلق، تعلیم دادن را متذکر شد: «بسم الله الرحمن الرحیم. اقرأ بسم ربك الذي خلق. خلق

الانسان من علق، اقرأ وربك الاكرم. الذي علم بالقلم. علم الانسان ما لم يعلم.

اولین معلم، خداوند بزرگ است و پس از آن، پیامبران (علیهم صلوات الله) تعلیم دهنده و تزکیه کننده هستند: «هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یرزقهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه...» (آیه ۲، سوره مبارکه جمعه)

معلم، کار خداوند و پیامبرانش را انجام می دهد و این که

### معلم باید در سرگردانی ها به کمک دانش آموز بشتابد و قبل از این که دانش آموز مشکل خود را به او بگوید، برای یاری اش تلاش کند

حضرت امام خمینی (ره) فرمودند: «پیامبری شغل انبیاست»، حقیقتی است که علاوه بر تکریم شغل مقدس معلمی، اهمیت مسأله را به معلم یادآور می شود.

از سوی دیگر آن امام راحل (ره) فرمودند: «فرهنگ سایه ای است از نبوت و فرهنگی ها سایه ای هستند از نبی و این سایه باید آن گونه عمل کند که ذی ظل عمل کرد.»

معلم باید متخلق به صفات الهی (در حد مقدور) باشد و بکوشد، آن صفات را کسب کند.

یکی از دعاهایی که در شب های مبارکه قدر، خواندن آن سفارش زیادی شده است، دعای شریف «جوشن کبیر» است. این دعا جلای خاصی به دل انسان می دهد. معلم علاوه بر آن که برای جلای قلب و ثواب می خواند، از آن استفاده معلمی هم می کند. به عنوان نمونه ای از دنیای معارف و نمی از دریای بیکران اسما و صفات الهی، بعضی از بندها و فرازهای این دعا را مرور می کنیم.

### یا دلیلی عند حیرتی

یکی از ویژگی های مهم معلم، راهنمایی دانش آموز است؛ اعم از راهنمایی علمی، شغلی، تحصیلی و... خداوند راهنما و دلیل انسان هنگام حیرت و سرگردانی است. وقتی انسان در چند راهی می ماند، نیاز شدیدی به راهنمایی دارد و خداوند در همان

زمان از طریق مشکلیش را حل می کند و دلیل و راهنمایی او می شود.

معلم هم باید در سرگردانی ها به کمک دانش آموز بشتابد و قبل از این که دانش آموز مشکل خود را به او بگوید، برای یاری اش تلاش کند. بسیاری از معلمان دلسوز، از کردار، رفتار یا گفتار دانش آموز می فهمند که او مشکلی دارد و گاه حتی پی به نوع مشکل او می برند. در این موقعیت، راهنمایی و ارشاد دانش آموز چنان اثری بر او می گذارد که هیچ گاه فراموش نمی کند و برای همیشه قدر دان معلم است.

دانش آموزان انتظار دارند که معلمان مورد وثوق و اطمینان باشند. معلم با رازداری و راهنمایی می تواند این اطمینان را به وجود آورد. دانش آموز، در هر مقطعی از تحصیلات، اگر معلمی را بیاید که مطمئن به رازداری او باشد و همچنین یقین کند که معلم اطلاعات کافی برای راهنمایی او را دارد، با او درد دل می کند و مشکلیش را در میان می گذارد. معلم باید چنین جایگاهی برای شاگرد داشته باشد.

### یا من هو یمن رجاء کریم

خداوند نسبت به کسی که به او امیدوار باشد، کریم است. خوان کرمش برای امیدواران گسترده است و این معنا را همه بندگان خدا به کرات تجربه کرده اند. معلم هم باید لطف و کرمش شامل همه کسانی باشد که به او امید دارند؛ امید به آموختن، تربیت، اخلاق، بخشش و...

### یا من هو یمن عصاه حلیم

خداوند نسبت به کسانی که عصبان می کنند، حلیم است. بردباری معلم وقتی مهم است که شاگرد از دستور یا درخواست او تمرد کند. حلم در مقابل دانش آموز درسخوان و بانضباط که معنا پیدا نمی کند. معلم در مقابل دانش آموزانی که درس نمی خوانند، انضباط را رعایت نمی کنند، تکلیف خود را انجام نمی دهند، دیگران را آزار می دهند، نظم کلاس و مدرسه را برهم می زنند و هزاران مورد و مسأله دارند، باید بردبار باشد و برای حل هر کدام از این مسائل و مشکلات، راهی بیاید.

یا من احاط بکل شیء علمه

علم خداوند بر همه چیز احاطه دارد.

معلم باید اطلاعات و معلومات لازم را در رشته درسی خود داشته باشد. علاوه بر آن، از اطلاعات عمومی قابل توجهی نیز برخوردار باشد. معلم به این وسیله می‌تواند به سؤالات دانش‌آموزان در مورد مسائل مربوط به درس و همچنین، اهم مطالب و سؤال‌های مبتلا به آنان پاسخ بگوید. این موضوع، یعنی داشتن اطلاعات علمی، باعث مقبولیت معلم هم می‌شود.

یا من سبقت رحمته غضبه

رحمت خداوند بر غضب او سبقت دارد.

**فرد خطاکار، هر چند دچار انواع قبايح اخلاقی باشد، حتماً در وجودش زیبایی‌هایی هم دارد. مربی خوب، با آشکار کردن آن زیبایی‌ها می‌کوشد نواقص دانش‌آموزان را رفع کند**

رحمت، لطف و مهربانی معلم باید بر غضب او پیشی گیرد. باید بداند که اگر دانش‌آموز ترمزد می‌کند، بی‌انضباطی و بی‌نظمی دارد و یا هر رفتار ناپسند دیگری از او سر می‌زند، ناشی از مشکلی است که با آن روبه‌رو شده است. معمولاً یک فرد وقتی قابل سرزنش است که مقصر باشد و براساس عمد و لجاجت، کار خلافی انجام دهد یا کار خوبی را ترک کند. اما اگر دانش‌آموزی به سبب داشتن مشکل جسمی یا روانی یا عاطفی ترمزد کند، معلم باید با رحمت، لطف و محبت با او به‌عنوان بیمار برخورد کند، سعی در معالجه بیماری شاگردش داشته باشد و غضب خود را فرونشاند.

یا من اظهر الجمیل - یا من ستر القبیح

خداوند جمال و زیبایی را ظاهر می‌کند و زشتی را می‌پوشاند. کاربرد این صفت خداوند متعال برای معلم دو جنبه مهم دارد: ۱. معلم بالاترین رازدار دانش‌آموزان است. اگر معلمی بخواهد به مسائل تربیتی دانش‌آموزان بپردازد، زمانی موفق است که راز دل شاگردان را پیش خود نگه دارد و به احدی بازگو نکند؛ مگر با رضایت خود دانش‌آموز، آن هم به کسی که بتواند مشکل او را حل کند. والا دانستن معلمان و مربیان یا دانش‌آموزان دیگر، مشکل او را بیش‌تر می‌کند. البته نباید تصور کنیم که آنچه

**معلم بالاترین رازدار دانش‌آموزان است. اگر معلمی بخواهد به مسائل تربیتی دانش‌آموزان بپردازد، زمانی موفق است که راز دل شاگردان را پیش خود نگه دارد و به احدی بازگو نکند**

شاگردان مایل به پوشیده ماندنش هستند، حتماً باید زشتی‌های خلقی یا رفتاری و غیره باشد. بلکه هر آنچه که به نظر جوان و نوجوان نباید آشکار شود، اعم از خوب و بد، اسرار او تلقی می‌شود و معلم مجاز به افشای آن نیست.

۲. نادیده گرفتن بعضی یا بسیاری از رفتارهای ناپسند شاگرد به وسیله معلم سبب می‌شود:

الف) رفتار جوان و نوجوان در بسیاری از موارد رفته رفته اصلاح می‌شود.

ب) معلم از جنبه‌های مثبت رفتاری دانش‌آموز استفاده می‌کند و ضمن رشد جنبه مثبت، رذایل اخلاقی و رفتارهای منفی او را از بین می‌برد. به قول روان‌شناسان، با تقویت رفتارهای مثبت و بسندیده، رفتار ناپسند او را خاموش می‌کند.

بسیاری از مشکلات مدرسه‌های ما متأسفانه از آن‌جا ناشی می‌شود که به دلایل گوناگون، از قبیل بی‌توجهی به رازداری، معروف شدن دانش‌آموز به یک یا چند صفت ناپسند، احساس عدم امکان بازگشت و اصلاح و... جوان دچار چنین پندار غلطی

**تعداد زیادی از معلمان می‌پرسند: چرا تنبیه ما کارساز نیست و سبب خاموشی رفتار دانش‌آموز نمی‌شود؟ تنها دلیل و شاید بهتر است بگوییم مهم‌ترین علت این است که تنبیه با رفتار تناسب ندارد**

می‌شود که آب از سر گذشته و دیگر جایگاهی برای او بین معلمان و همکلاسی‌ها نمانده است.

فرد خطاکار، هر چند دچار انواع قبايح اخلاقی باشد، حتماً در وجودش زیبایی‌هایی هم دارد. مربی خوب، با آشکار کردن آن زیبایی‌ها می‌کوشد نواقص دانش‌آموزان را رفع کند.

یا من لم یؤاخذ بالجریه

خداوند، بندگانش را به خاطر گناه، به سختی مؤاخذه

نمی‌کند.

معلم و مربی باید در برخورد با کسانی که خطا یا اشتباهی داشته‌اند، به درستی برخورد کند. چنان‌که در بخش قبلی اشاره شد، گاه تغافل باعث می‌شود که فرد خاطی، مرتکب خطای بعدی نشود.

در مورد بعضی از مسائل اخلاقی، مواخذه کردن فرد، سبب می‌شود که او در ارتکاب عمل جرمی تر شود و به اصطلاح پرده حیا را بدرد. پس با استفاده از این بند توصیه می‌شود:

۱. در مورد برخی از اشتباه‌ها باید تغافل شود.  
۲. خود معلم با مواخذه فرد خاطی سبب ادامه رفتار ناپسندش نشود.

۳. تنبیه باید متناسب با رفتار ناپسند و ناهنجار باشد تا جلوی تکرار آن را بگیرد.

متأسفانه در بسیاری از موارد، چه در مدرسه و چه در اجتماع مشاهده می‌کنیم که تنبیه به اصلاح رفتار نمی‌انجامد. نمی‌دانم آیا در این مورد بررسی و تحقیقی شده است که در حال حاضر، زندان چند نفر را واقعاً اصلاح کرده و باعث شده است، رفتار غلط او تکرار نشود؟

تعداد زیادی از معلمان می‌پرسند: چرا تنبیه ما کارساز نیست و سبب خاموشی رفتار دانش‌آموز نمی‌شود؟ تنها دلیل و یا شاید بهتر است بگوییم مهم‌ترین علت این است که تنبیه با رفتار تناسب ندارد.

در برخی از موارد هم، معلمان و مخصوصاً مدیران و معاونان مدرسه نمی‌توانند به تهدیدی که می‌کنند، عمل کنند و این، یعنی تهدید بدون عمل، اگر چندبار تکرار شود، دیگر مدرسه قادر به حفظ انضباط نخواهد بود.

### یا من هو فی عهده وفی

خداوند به عهدش وفا می‌کند.

اگر معلم به شاگردان قول‌هایی می‌دهد و با آن‌ها عهد‌هایی می‌بندد، باید به آن‌ها وفا کند. خیلی از مشکلات انضباطی مدرسه از همین جا ریشه می‌گیرد که شاگرد نسبت به معلمی که عهدی کرده و قولی داده و به آن عمل نکرده است، بی‌اعتماد می‌شود. قول‌ها به طرق متفاوت به دانش‌آموزان داده می‌شود:

۱. برای تشویق دانش‌آموزانی که در درس یا تکلیف کار خوب و درستی انجام داده‌اند.

۲. برای تنبیه شاگردانی که به آنان گفته شده، اگر چنان کنید، من هم چنین تنبیهی در نظر خواهم گرفت، یا سایر تهدیدها.

این تهدیدها دو گونه‌اند:

۱-۲. تهدیدهایی که قابل اجرا هستند ولی ما گاهی به آن عمل نمی‌کنیم؛ مانند دیدن تکلیف درسی، گرفتن آزمون یا...

۲-۲. تهدیدهایی که اصلاً قابل اجرا نیستند؛ مانند اخراج از مدرسه بدون در نظر گرفتن آیین‌نامه انضباطی و مواردی از این قبیل.

۳. اجرای آیین‌نامه‌های انضباطی و مواردی که برای تشویق و تنبیه در نظر گرفته شده‌اند.

۴. تعیین تاریخ معینی برای انجام کاری؛ مانند برگزاری آزمون، اجرای برنامه‌ای خارج از کلاس و... که در بسیاری از موارد، انجام ندادن آن‌ها نقض عهد به شمار نمی‌رود. یکی از موارد صیانت زبان همین است که توجه داشته باشیم، قولی ندهیم که نتوانیم یا نخواهیم اجرا کنیم.

### یا من لا مقصد الا الیه

همه راه‌ها به سوی خداوند و همه هدف‌ها و مقصدها یا باید به سوی او باشند. معلم هم از مجموعه هستی جدا نیست.

«ان صلواتی و نسکی و محیای و مماتی لئله رب العالمین.»

تدریس، مطالعه، آزمون، تربیت، رفع مشکل تربیتی دانش‌آموزان، همه و همه باید برای رضای خداوند متعال باشد، چه این که هر کاری برای او باشد، «و ما عندالله باق».

### یا من عذابه عدل

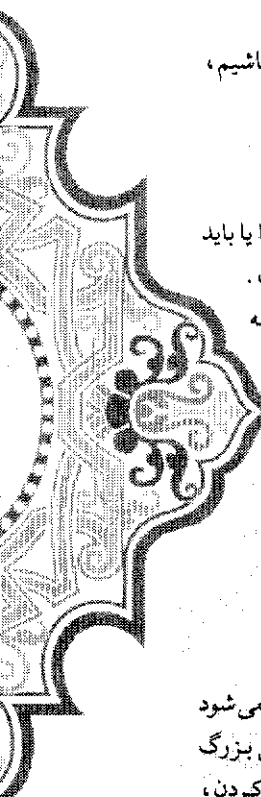
عذاب خداوند از روی عدالت است.

گفته شد که تنبیه زمانی مؤثر است و باعث تغییر رفتار می‌شود که با عمل فرد متناسب باشد. اگر جرمی کوچک، تنبیهی بزرگ داشته باشد، سبب می‌شود که دانش‌آموزان از ترس خطا کردن، هیچ‌گونه ابتکار و نوآوری نداشته باشند. زیرا نوآوری زمانی اتفاق می‌افتد که فرد از اشتباه و خطا نهراسد. صاحب‌نظران پرورش خلاقیت معتقدند، انسان برای بروز خلاقیت و بارش فکری، حتی از انتقاد نباید واهمه داشته باشد. اگر جرم بزرگ باشد، ولی جزایی که برای آن در نظر گرفته می‌شود، کوچک باشد، مجرم به تکرار عمل خلاف خود تشویق می‌شود، پس تنبیه معلم باید از روی عدالت باشد.

### یا من ذکره حلو

ذکر و یاد خداوند شیرین است.

معلم باید طوری باشد که دانش‌آموز از اخلاق و رفتارش درس



## یکی از موارد صیانت زبان این است که توجه داشته باشیم، قولی ندهیم که نتوانیم یا نخواهیم اجرا کنیم

بگیرد، از حضورش لذت ببرد و در غیابش او را به نیکی یاد کند و مشتاق دیدارش باشد.

دو صفتی که در کتاب‌های تعلیم و تربیت برای معلم لازم می‌دانند، مقبولیت و محبوبیت است. این دو صفت را می‌توان مصداق شیرینی یاد معلم دانست. معلمی که محبوب دانش‌آموزان است و شاگردانی او را دوست دارند، و از سوی دیگر، از نظر علمی و شخصیتی هم مورد قبول دانش‌آموزان است، مصداق این حدیث است که در مورد زندگی و معاشرت با مردم سفارش شده است: «با مردم به گونه‌ای معاشرت کنید که اگر در بین آن‌ها بودید، شما را دوست بدانند و اگر از دنیا رفتید، برای شما گریه کنند.»

خوب است معلم طوری باشد که همکاران و دانش‌آموزان، چه در حیات و چه در ممات، او را به نیکی یاد کنند.

## یا منفس عن المکروبین- یا مفرج عن المغمومین

خداوند شادکننده افراد پریشان خاطر و نشاط بخشنده به افراد غمگین است.

دانش‌آموزی که مشکلی دارد و گرفتار است، باید امیدوار باشد که معلم مشکلی از مشکلاتش را حل می‌کند. اگر مشکل خانواده‌اش دارد، معلم به او کمک می‌کند و راه حل را به او نشان می‌دهد. اگر مشکل درسی دارد، معلم راه و روش مطالعه و پیشرفت در درس را به او می‌نماید و او را راهنمایی می‌کند. معلم را ملجأ و مأمن گرفتاری‌های خود بداند و احساس کند که در گرفتاری‌ها می‌تواند به او پناه بیاورد و معلم با سخنان دلگرم‌کننده، مانع افزایش مشکلاتش می‌شود. بسیاری از معلمان با راهنمایی‌های ساده ولی سازنده، مسیر زندگی دانش‌آموز را در راه صحیح قرار داده‌اند.

امید دانش‌آموز به این که می‌تواند مشکل خود را به معلم بگوید، مصداق این بند از دعاست. احساس این که در زمان ابتلا به کرب و غم، کسی به کمکش می‌آید و او معلمش است.

## یا رجاء المذنبین- یا قره عین العابدین

خداوند امید گناهکاران و نور چشم عبادت‌کنندگان است. دانش‌آموزان بی‌علاقه به درس، خلافکار و دارای مشکل، باید امید داشته باشند که معلم به آن‌ها کمک می‌کند. از طرف دیگر، دانش‌آموزان درس‌خوان هم معلم را دوست دارند. آن‌ها هم به معلمشان علاقه دارند و عشق می‌ورزند. معلم مانند نورچشم آن‌هاست و با دیدن معلم چشم آن‌ها روشن می‌شود.

یا مغنی البائس الفقیر

یا رازق الطفل الصغیر

یا راحم الشیخ الکبیر

یا جابر العظم الکبیر

یا عصمة الخائف المستجیر

یا من هو بعباده خبیر بصیر

در این بند آمده است که خداوند:

بی‌نیازکننده نیازمند پریشان حال است.

روزی دهنده طفل صغیر (کودک) است.

رحم‌کننده به پیران و بزرگسالان است.

جبران‌کننده استخوان‌های شکسته است.

نگهدارنده هر کسی است که بترسد و پناه بیاورد.

بر احوال بندگانش آگاه و بیناست.

هرکس در درگاه خداوند نیازی دارد و از خداوند می‌خواهد،

آن نیاز را برطرف کند.

معلم باید:

۱. استعداد‌های دانش‌آموزان را کشف کند.

۲. به نیازهای دانش‌آموزان پی ببرد.

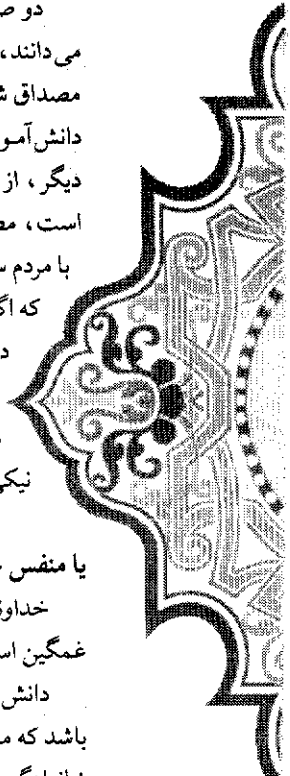
۳. مشکلات و گرفتاری‌های شاگردان را بشناسد.

همچنان که خداوند آگاه است که: «نیازمند پریشان احوال را باید بی‌نیاز کرد؛ حال از راه کمک مالی به او یا ایجاد شغل برای او به نحوی که بتواند زندگی خود را اداره کند.»

طفل صغیر به روزی خاص خودش نیاز دارد و خداوند به او روزی می‌دهد. مناسب‌ترین روزی او شیر مادر است. پیران و افراد مسن به رحمت و رأفت نیاز دارند و خداوند به آن‌ها رحم می‌کند. استخوان شکسته باید ترمیم و شکستگی آن جبران شود و خدا می‌داند که چه شده و علاج آن چیست.

هر کسی که از چیزی بترسد و به خدا پناه آورد، نگه‌دارنده‌ای را طلب می‌کند که همان خداوند است. احساس امنیت برای چنین فردی، از هر غذایی مهم‌تر است.

بندگانی که وظیفه خود را انجام می‌دهند، امیدشان به این است که خدایی خبیر و بصیر دارند و این اطمینان را به آن‌ها می‌دهد که



هرگز حتی بخش کوچکی از عبادت هم نادیده گرفته نمی شود. هرکس، همچنان که گفتیم، نیازهای خاص و عمده‌ای دارد که توجه به آن‌ها برایش اهمیت حیاتی دارد. این نیازها حتماً باید برآورده شوند، درحالی که سایر نیازها آن قدر مهم نیستند. در این دعا، دست روی نیازهای اصلی انسان گذاشته شده است. معلم در کلاس باید دانش آموزان خود را بشناسد، نیاز اصلی و اساسی آن‌ها را در نظر بگیرد و سعی در برطرف کردن مشکل یا نیاز داشته باشد.

ممکن است، عده‌ای از دانش آموزان تکلیف خود را انجام نداده باشند که اگر خوب بررسی شود، می بینیم هر کدام دلیلی برای این کار دارند و یا بهتر است بگوییم، هر کدام به دلیل و علت خاصی، تکلیف را انجام نداده‌اند. شناخت این دلایل به معلم کمک می کند که:

۱. موانع یادگیری را بشناسد.
  ۲. به مشکلات دانش آموزان پی ببرد.
  ۳. برای برطرف کردن مشکلات بکوشد.
  ۴. در صورتی که خود از عهده رفع مشکل برنیاید، دانش آموز را به مرجع و مرکز مربوطه معرفی و تا حصول نتیجه برای رفع آن پیگیری کند.
- ممکن است یکی از دانش آموزان مشکل مالی و اقتصادی داشته باشد، یا به دلیل اختلاف خانوادگی پدر و مادر، احساس امنیت نکند. معلم باید به این مشکلات پی ببرد و آن‌ها را رفع کند تا کودک به روال عادی برگردد، بتواند درس بخواند و تکلیف خود را به خوبی انجام دهد.

با لطف و رحمت خداوند:  
باران که در لطافت طبعش خلاف نیست  
در باغ لاله روید و در شوره زار خس

و هرکس نیاز خود را می جوید:  
هر کسی در کار خود دارد شتاب  
برزگر باران و گازر آفتاب

### لطیف

یکی از نام‌های خداوند که در قرآن کریم هفت بار آمده است و در دعاها بارها و بارها تکرار شده، «لطیف» است. در دعای شریف جوشن کبیر نیز در چندین بند، از جمله: ۱۸، ۳۴، ۳۵ و ۴۸ این نام مبارک آمده است. در حدیث‌ها آمده است که لطیف این ویژگی‌ها را دارد (نقل به مضمون):

۱. اگر از او بخواهی، اجابت می کند.
۲. به او پناه آوری، پناهت دهد.
۳. با او دوستی بورزی، ترا به خود نزدیک کند.
۴. فرمان او را ببری، پاداش دهد.
۵. اگر نافرمانی کنی، ترا ببخشد.
۶. اگر از او روی بگردانی، ترا بخواند.
۷. اگر به او روی آوری، رهبریت کند.
۸. وفادار را پاداش نیکو دهد.
۹. جفاکاران را ببخشد.

خداوند لطیف این همه لطف و محبت نسبت به بندگانش دارد. معلمانی که از خداوند می آموزند و مزین به نام‌ها و صفات الهی می شوند، باید بکوشند:

۱. به سؤال دانش آموز جواب بدهند. اگر شاگرد از معلمش چیزی بخواهد، معلم باید در حد توان بکوشد.
۲. دانش آموزانی را که به آن‌ها پناه آورده‌اند، از خود نرانند و پناه دهند. بعضی از بچه‌ها در شرایطی قرار می گیرند که تنها معلم را حامی خود می دانند. به دلایلی از خانواده قطع امید کرده‌اند و کسی را که به او پناه بیاورند، ندارند. معلم باید به آن‌ها توجه کند، به درد دل آن‌ها گوش کند، سنگ صبور آن‌ها باشد، برای آن‌ها به عنوان یک انسان و عضوی از اعضای مدرسه، ارزش قائل شود.
۳. با دانش آموزانی که با او دوستی می ورزند، یعنی آن‌ها که:
  - درسخوان هستند،
  - انضباط را رعایت می کنند،
  - تکالیف درسی را انجام می دهند،
  - به دستورات و سفارشات معلم گوش فرامی دهند و توجه می کنند، دوست شوند و خود در پی نزدیک تر شدن به آن‌ها باشند.

اگر شاگرد یک قدم در دوستی بردارد، معلم باید چند قدم بردارد. حال با این بررسی می توانیم، معنای تخلق به اخلاق الله را بهتر درک کنیم. فکر می کنم، با تأمل و توجه و تعمق در جمله‌ها و فرازهای دعای شریف جوشن کبیر بتوانیم، در درجه اول برای زندگی خود به عنوان یک انسان مسلمان، و در درجه دوم به عنوان یک معلم که علاوه بر مسؤولیت خود، باید راهنمایی و رهبری گروهی از کودکان و نوجوانان و جوانان پاک و روشن ضمیر را به عهده بگیرد، به خودسازی بپردازیم. تا خودمان ساخته شده و منزله از گناه نباشیم، نمی توانیم دیگران را به راه درست ببریم. پس به امید این که دعاها را، هم برای ثواب بخوانیم و هم برای خودسازی.

من الله التوفیق و علیه التکلان